



احتیاجات اساسی تپه ما

دوره، بچگی از لحاظ تعلیم و تربیت نیز کمال اهمیت را دارد برای معلمان مدارس لازم می‌شوند.

بطور کلی وقتی فرد از بهداشت روحی برخوردار است که بتواند با دیگران بسربرد، از زندگی با دیگران مسرور باشد، فرد مفیدی در جمع باشد و در زندگی جمعی احساس امنیت خاطر داشته باشد. برای تهیه

تحقیقات زیست شناسی و روانشناسی احتیاجات معینی را که جنبه بدنی و روانی دارند برای افراد انسان اساسی و ضروری تلقی کرده است. تامین یا عدم تامین این احتیاجات در تمام ادوار زندگی در بهداشت روحی و جسمی افراد تاثیر فراوان دارد. روی این اصل عده‌ای از مربیان مطالعه احتیاجات اساسی را که در

چنین وضعی باید احتیاجات اساسی افراد
تامین شود. در اینجا باختصار اینگونه
احتیاجات را ذکر میکنیم.

۱- احتیاجات بدنی :

بدون تردید رشد بدنی اساس حیات
انسانی را تشکیل میدهد. بنابراین تامین
احتیاجات بدنی مثل احتیاج به غذا، آب،
هوا، فعالیتهای عضلانی و محافظت بدن در
مقابل حوادث و امراض علاوه بر اینکه جزء
احتیاجات بدنی انسان هستند در تامین
بهداشت روحی فرد نیز تاثیر فراوان دارند
بنابراین وظیفه معلمان است که برنامه
تعلیماتی خود را طوری ترتیب دهند که در
بچه ها عادات و تمایلات مناسب جهت رشد
قوای بدنی بوجود آورند و اطلاعات لازم را
در این زمینه در اختیار ایشان بگذارند.

هدف قرار دادن درس ورزش در برنامه
مدارس و تعلیم بهداشت و شرکت بچه ها در
تیمهای مختلف، آشنا ساختن آنها
با این قوای بدنی و انجام عادات مناسب در
این زمینه از جمله اهداف این درس است.

۲- احتیاجات روانی :

بنظر ما مهمترین احتیاجات روانی افراد
نیز بارزانه احتیاجات بدنی در بهداشت
روحی و جسمی افراد تاثیر دارند و بهمان
اندازه اساسی و ضروری هستند.

الف- احتیاج به محبت :

تمام افراد بشر، چه کودکان و جوانان و
چه افراد سالمند همه احتیاج به محبت دارند.

این احتیاج باید بوسیله والدین، همبازیها
رفقا، بزرگترها، همسر و سایر افرادی که با
انسان سروکار دارند تامین شود. نظریاتی که
تجربیات بچه ها محدود است و مانند
سالمدان نمیتوانند عواطف و احساسات
خود را تحت عقل و منطق در آورند، روی
این زمینه احتیاج به محبت در بچه ها بیشتر
محسوس است. در خانواده ها معمولا بچه ها
مورد محبت والدین قرار دارند ولی وقتی
وارد مدرسه میشوند کثرت شاگردان کلاس و
اغلب عدم توجه معلمان و اولیاء مدرسه به
این احتیاج وضع ناراحت کننده ای را برای
بچه ها بوجود میآورد. بعضی از بچه ها
بیش از حد مورد علاقه و محبت والدین و
بزرگترها قرار میگیرند، در نتیجه توقعات
ایشان زیاد میشود. وقتی این بچه ها وارد
مدرسه شدند انتظار دارند معلم نیز آنها را
بیش از سایرین مورد محبت قرار دهد. در
هر صورت وظیفه معلم اظهار محبت و علاقه
نسبت به تمام بچه هاست. تشویق و سرزنش
بیمورد نسبت به بعضی از بچه ها یا توجه بیش
از حد بعدهای از شاگردان و بی اعتنائی به
دیگران موجب اضطراب و ناراحتی بچه ها
میشود. بچه ها نه تنها احتیاج به محبت
دارند، بلکه باید دیگران را نیز مورد
محبت قرار دهند.

احساس محبت نسبت به دیگران تا اندازه ای
در خانواده رشد پیدا میکند. در مدرسه با

چنانچه گفته شد بچه بتدریج بگروه همسن و همبازی می پیوندد .

این بستگی ابتدا ضعیف و کم است . همانطور که بچه رشد پیدا میکند تعلق او بگروه بیشتر میشود . بتدریج میزانهای گروهی حاکم بر اعمال و افکار بچه شده و در موقع بروز تصادم میزانهای خانوادگی با میزانهای گروهی بچهها معمولا " میزانهای گروهی را ترجیح میدهند .

شرکت دادن بچه ها در کارهای جمعی و تشویق آنها بکمک و همکاری میتوان محبت متقابل میان آنها بوجود آورد .

ب - احتیاج به بستگی و تعلق بگروه
هریک از افراد انسان در هر مرحله از رشد علاقه به بستگی و ارتباط نزدیک به جمع دارد فرد میل دارد تشخص اجتماعی پیدا کند ، موقعیت او از طرف گروه برسمیت شناخته شود ، مورد احترام گروه باشد و درعین حال



خلاصه بستگی بگروه امری ضروری برای بچه هاست . بچه احتیاج دارد از طرف گروه پذیرفته شود ، وضع او در گروه مشخص گردد و حیثیت و احترام خاصی در گروه داشته باشد

عضو گروه قلمداد گردد . همانطور که عدم تأمین این احتیاج در افراد سالمند و جوان موجب تزلزل شخصیت و اضطراب درونی است در میان بچه ها نیز عدم تأمین این احتیاج ناراحتیهای شدیدی بوجود میآورد .

وظیفه معلم این است که در کلیه فعالیت‌های تربیتی احتیاج بچه‌ها را در این زمینه مدنظر قرار دهد. او باید در باره بچه‌های ساکت و کناره‌گیر مطالعه کند و علل جدائی آنها را از گروه همکلاس خویش درک نماید. همچنین در مورد بچه‌هایی که بواسطه بعضی از خصوصیات غیر عادی از دیگران جدا شده اند دقت بیشتری بعمل آورد و در سازگاری اجتماعی بایشان کمک کند. احترام بشخصیت افراد در گروه و توجه باظهارات ایشان جزء وظایف معلمان است. شرکت دادن همه بچه‌ها در فعالیت‌های تربیتی و تشویق آنها به همکاری و اشتراک مساعی و قبول مسئولیت، در تأمین احتیاج بچه‌ها به بستگی و تعلق بگروه موثر است.

ج- احتیاج به بیان و ابراز خود

هر فردی از افراد بشر احتیاج دارد که خود را بیان کند. منظور از بیان خود این است که افراد میل دارند عقاید، افکار و نظریات خود را برای دیگران بیان نمایند. هنرمندان، نویسندگان، شعرا و دانشمندان در هر مرحله از علم و هنر و موقعیت ادبی قرار داشته باشند علاقه دارند آنچه را که محصول ذوق و فکرایشان است بدیگران ارائه دهند. این احتیاج در زمینه خلق و ابداع افکار و عقاید و یا آثار تازه نیز ظاهر میشود. علاوه براین، بیان آنچه فرد در خاطر دارد موجب تسکین آلام درونی او میشود. روی این اصل افرادی که در زندگی روزمره با

مشکلی برخورد مینمایند یا غم و اندوهی در ایشان ظاهر میشود میل دارند کسی را پیدا کرده و با بیان حال خود "عقده دل" را باز کنند و بدینوسیله خود را تسکین دهند. این احتیاج وظیفه مهمی برای معلمان بوجود میآورد. بچه‌ها همانطور که رشد پیدا میکنند مفاهیم و معانی تازه‌ای را ادراک مینمایند. آنها نسبت باشخاص و اشیاء میل تازه‌ای در خود احساس میکنند. درک آنها از عالم خارج بتدریج تغییر میکند. کم کم جنبه‌های دینی، اخلاقی و هنری در آنها رشد می‌یابند بچه میل دارد آنچه را که خود فهمیده برای والدین یا معلمان و همکلاسان خویش بیان دارد. او علاقمند است که فرصت کافی در کلاس پیدا کند و بدینوسیله آنچه را در ضمیر دارد بیان نماید. بنابراین معلمان برای رشد قوه بیان بچه‌ها، برای توسعه و تربیت قوای خلاقه طفل بمنظور تقویت جنبه‌های هنری، دینی و اخلاقی و همچنین برای کمک به بچه‌ها در فرو نشاندن آلام درونی باید فرصت کافی برای همه بچه‌ها ایجاد کنند و بهر یک از آنها مطابق استعداد و توان او اجازه دهند تا افکار و عقاید و نظریات خویش را آزادانه بیان نماید. در این زمینه توجه بچه‌ها به افکار و عقاید و آثار دیگران نیز نباید از نظر معلم دور باشد.

د- احتیاج به هدف، امنیت، نظم؛

هر فردی از افراد بشر میل دارد بداند



برای چه کار معینی را انجام میدهد. داشتن هدف در زندگی روزمره ، انسان را بفعالیت وامیدارد ، جهت کار و اقدام او را تعیین میکند و موفقیت او را تا اندازه‌ای تضمین مینماید . بچه‌ای که در مدرسه حاضر میشود اگر بداند چرا بمدرسه میرود ، برای چه باید در کلاس معین حضور پیدا کند ، منظور از تدریس زبان و ادبیات فارسی در مدرسه چیست ، برای چه باید اطلاعات و عادات بهداشتی را کسب کند و چرا باید قسمتی از وقت را در خانه صرف تهیه تکالیف مدرسه نماید بهتر در مدرسه حاضر میشود و مطالب درسی را آسانتر فرا میگیرد . چنین شاگردی بکارهای تحصیلی بیشتر علاقه نشان میدهد و پیشرفت او در جریان تحصیل سریع خواهد بود . بنابراین وظیفه معلم اینست که هدف کار و فعالیت تربیتی را برای بچه‌ها روشن سازد و بآنها بفهماند که حضور در مدرسه و فرا گرفتن مطالب درسی و ارتباط با شاگردان و اولیاء مدرسه هریک هدفی خاص در بردارد .

مسئله امنیت برای هریک از افراد بشر امری حیاتی است . هرفردی احتیاج دارد. که از هرجهت در امان باشد و احساس امنیت خاطر کند . این امنیت ممکن است در جنبه اقتصادی ، علمی و اجتماعی باشد . بجهتهائی که تازه وارد مدرسه میشوند در اثر برخورد با

معلمان ، شاگردان ، ناظم و مدیر ، دیدن اشیاء تازه ، شرکت در کلاس و فراگرفتن مطالب درسی و اموری از این قبیل موقتا " امنیت خود را از دست میدهند . بنابراین وظیفه معلم است که در سازگار کردن شاگردان بمحیط جدید و موقعیتهای تازه کوشش نماید و محیط کلاس و مدرسه را مانند محیط خانه از لحاظ عشق و علاقه گرم نماید در اینصورت عدم امنیتی را که بچه در اثر دور شدن از خانه در خود احساس میکند از بین میرود .

نظم و ترتیب در کارها نه تنها برای سالمندان امری ضروری و لازم است برای بچه‌ها نیز این احتیاج ، محسوس میباشد منظور از نظم و ترتیب این نیست که برنامه خسته کننده ای برای بچه تنظیم نمایند و فعالیتهای ایشان را محدود کنند . مقصود این است که متناسب با استعداد ، احتیاج ، تمایل و علاقه بچه‌ها فعالیتهای تربیتی را تحت نظم و ترتیبی معین قرار دهند تا بچه‌ها بدانند امروز چه خواهندکرد و نقشه کارایشان چیست .

تامین احتیاجات بالا در بهداشت روحی و جسمی بزرگسالان و خرد سالان کاملا مؤثر است . بنابراین توجه باینگونه احتیاجات و اجرای اقدامات تربیتی متناسب با آنها جزء وظائف معلمان در تربیت بچه‌ها میباشد .



مسلمانها همه اهل تقوی باشند و لــــذا می بینیم خداوند علاوه بر تقوای فردی که هرکس موظف است نسبت به وظایف فردی خود متقی باشد، پرهیزگار و اهل ورع و تقوی باشد، یک دستور همگانی برای ایجاد زمینههای تقوی صادر می کند و می فرماید:

تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان " مسلمانان! با همیاری و همکاری یکدیگر، زمینههای برّ و احسان و نیکی را در جامعه فراهم کنید و زمینههای تقوای اجتماعی را فراهم کنید که بتنهائی نمی شود یک جامعه متقی ساخت مگر آنکه جامعه همه دست به دست هم بدهند و زمینه تقوی را فراهم کنند.

هستند. چنانچه وقتی مریضی را نزد طبیب برای معاینه و معالجه می برند، اول طبیب به او دستور پرهیز می دهد و مادامیکه پرهیز نکند معالجه مریض امکان ندارد. مومن باید قسمتی از کارهایی را که برای او مضر است و زمینههای تاثیرکارهای خوب و حسنات او را از بین می برد ترک کند که "انما یتقبل الله من المتقین" اگر تقوی نباشد کارهای عبادی و حسنات انسان هبط می شود و کار خوبی که انسان انجام داده، اثر خود را نخواهد گذاشت و آن تقرب و تکاملی که عبادات و حسنات برای انسان ها مقرر کرده، عمل نمی شود، باید زمینه های هبط اعمال را از بین ببرد، چه بسیارند مردمی که کارهای خوبی انجام می دهند. عبادات و ایثارهایی دارند، اما در اثر گناه تمام آن زمینهها را از بین می برند و لذا باید جامعه اسلامی، جامعه ای باشد که در او تقوی و خویشتن داری و دوری از گناه و محارم الهی رواج پیدا کند که امام علیه السلام فرمودند: "من احب المکارم اجتنب المحارم" هرکس مکرمت و بزرگواری و فضائل خوب انسانی را دوست دارد باید از گناهان پرهیز نماید.

باید جامعه ای باشد با تقوی و ملازم با تقوی و در جمیع مراحل زندگی چه در جبهه و چه در دفتر و مدرسه و بازار و اداره و روستا، همه جا باید در نظام اسلامی تقوی حکومت کند و

بقیه از صفحه ۱۳

هرجا ببینند پیــــرویی بیشتری مطرح است سعی دارند به آن وابسته شوند و احساس ایمنی بیشتری کنند.

اینان در این سن احساس نیاز به مذهب دارند و بسیار ساده است که ارزشهای مذهبی را بپذیرند. حتی تحمل و بردباری آنها در برابر تعلیمات مذهب و ارزشهای آن از دیگران بیشتر است و بسادگی میتوانند خود را با ضوابط زندگی مذهبی تطابق دهند. با استفاده از این زمینه احساسی و عاطفی میتوان راه زندگی را به آنها آموخت و راه حیات معنوی را برای شان هموار کرد.